نگاه

وقتی عدالت شهری به دقیقه سنجیده می‌شود!

عابدین سالاری اسکر
دکتری اقتصاد، گرایش بخش عمومی

در مطالعات اقتصاد شهری، شهرها حاصل تعادل میان دو متغیر کلیدی‌اند: زمین و سفر. زمین نشان‌دهنده مکان است، سفر بیانگر زمان. در این چارچوب، شکل و فرم شهر نتیجه تصمیم‌های میلیون‌ها خانوار و بنگاه است که میان هزینه زمین و هزینه رفت‌وآمد تعادل برقرار می‌کنند. اما سیاست‌گذاری شهری در ایران طی دهه‌های اخیر عمدتا بر بعد مکانی متمرکز بوده و متغیر زمانی را نادیده گرفته است. در نتیجه، تهران در ظاهر گسترش یافته، اما از درون دچار عدم تعادل زمانی شده است.

شهر نابرابر از نظر زمان

مطالعات حمل‌ونقل تهران نشان می‌دهد میانگین زمان سفر روزانه شهروندان به طور تقریبی حدود ۷۰ تا ۸۰ دقیقه است. در مناطق برخوردارتر، این زمان به طور میانگین ۴۵ دقیقه است؛ درحالی‌که در مناطق جنوبی و کم‌برخوردار از ۹۰ دقیقه فراتر می‌رود. به بیان دیگر، شهروند کم‌برخوردار و فقیر روزانه ۴۵ دقیقه بیشتر از شهروند دیگر برای دسترسی به فرصت‌ها هزینه می‌کند. در اقتصاد شهری، این پدیده را «فقر زمانی» می‌نامند: نابرابری در توزیع زمان دسترسی به خدمات، شغل و آموزش. فقر زمانی، همان‌قدر واقعی و اثرگذار است که فقر درآمدی، اما در سیاست‌گذاری شهری تهران تقریبا ناشناخته باقی مانده است.

از فقر مالی به فقر زمانی

در مدل‌های کلاسیک اقتصاد شهری فرض می‌شود هر خانوار در نقطه‌ای از شهر ساکن می‌شود که مجموع هزینه زمین و آپارتمان و سفر برای او حداقل باشد. اما در واقعیت امروز تهران، خانوارهای کم‌درآمد توان مالی اقامت در نقاط کم‌هزینه زمانی را ندارند. نتیجه، شکل‌گیری الگویی از جدایی طبقاتی فضایی بر مبنای زمان است: شمال و مرکز با زمان کمتر و زمین گران‌تر، جنوب و حاشیه با زمین ارزان‌تر اما زمان ازدست‌رفته بیشتر. این همان پارادوکسی است که بهره‌وری شهری را پایین می‌آورد: نیروی کار ارزان در مکان‌های دور متمرکز می‌شود، درحالی‌که مراکز اشتغال در مناطق پرهزینه مکانی قرار دارند.

شاخص فقر زمانی؛ ابزار جدید سیاست شهری

برای سنجش این نابرابری می‌توان از شاخصی استفاده کرد که در ادبیات جدید اقتصاد شهری به نام شاخص فقر زمانی شناخته می‌شود. این شاخص میزان زمان ازدست‌رفته روزانه شهروند را نسبت به سطح درآمد و دسترسی می‌سنجد. برآوردهای تقریبی برای تهران (بر اساس داده‌های حمل‌ونقل و سکونت) نشان می‌دهد: در مناطق جنوبی، میانگین زمان سفر دو برابر میانگین درآمد سرانه خانوار نسبت به شمال شهر است. به عبارتی، ارزش اقتصادی زمان ازدست‌رفته در جنوب تهران معادل ۱۰ تا ۱۲ درصد درآمد ماهانه خانوار است. اگر چنین داده‌ای در شاخص‌های رسمی شهر وارد شود، می‌تواند مبنای تخصیص عادلانه بودجه و بازطراحی سیاست حمل‌ونقل باشد.

زمان به‌عنوان متغیر سیاستی

در بسیاری از شهرهای پیشرفته، «زمان» به عنوان متغیر سیاستی وارد فرایند تصمیم‌گیری شهری شده است. الگوی «شهر ۱۵دقیقه‌ای» در پاریس، مدل «دسترسی فشرده» در سئول و نظام «ارزیابی عدالت زمانی» در لندن، همگی نمونه‌هایی از این رویکرد هستند. در تهران، اما هنوز سیاست‌گذاری حول متغیرهای سنتی چون متراژ پروژه، طول خیابان یا مساحت ساخت‌وساز می‌چرخد، در حالی که معیارهای نوین حکمرانی شهری، بر زمان صرفه‌جویی‌شده شهروند تأکید دارند. از سیاست‌گذار باید بپرسد: هر پروژه چند دقیقه از زمان سفر مردم را کاهش می‌دهد؟ هر تصمیم چند دقیقه به دسترسی روزمره می‌افزاید؟ چنین رویکردی می‌تواند سیاست شهری را از کمی‌سازی فیزیکی به بهینه‌سازی زمانی منتقل کند.

پیوند زمین، زمان و عدالت

سیاست‌های مالی مرتبط با زمین می‌توانند به صورت مستقیم بر فقر زمانی اثر بگذارند. در مناطقی که ارزش زمین پایین است اما هزینه سفر بالا، اجرای سیاست‌هایی چون مالیات ارزش زمین (LVT) و بازیافت ارزش زمین (LVC) می‌تواند منبعی برای توسعه شبکه حمل‌ونقل عمومی و خدمات محلی فراهم کند. به این ترتیب، زمین از ابزاری برای انباشت رانت به ابزاری برای بازتوزیع زمان تبدیل می‌شود. این همان پیوندی است که میان اقتصاد زمین و عدالت زمانی برقرار می‌شود و می‌تواند مبنای سیاست‌های بازتوسعه شهری در تهران باشد.

زمان؛ شاخص جدید حکمرانی شهری

تهران امروز از کمبود زمین و منابع رنج می‌برد، اما بیشتر از این، از سوءتوزیع زمان. زمان، کمیاب‌ترین دارایی شهری است و بازگرداندن آن به شهروندان می‌تواند شاخصی برای ارزیابی کارآمدی مدیریت شهری باشد. گام نخست، شناخت علمی این نابرابری و نهادینه‌کردن شاخص فقر زمانی است. تهران اگر بخواهد به شهری کارآمد و عادلانه تبدیل شود، باید متغیر زمان را در کنار زمین، به رکن اصلی سیاست شهری بدل کند.

خبر

منتظر سوغاتی شهردار تهران از چین هستیم

رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران گفت: باید منتظر خبرهای شهردار تهران از چین باشیم، اما این قرارداد اشکالات حقوقی دارد و مورد ایراد ما و برخی دستگاه‌های نظارتی قرار گرفته است. امیدوارم این اشکالات به موازات سفر رفع شود و قرارداد چین از لحاظ مقررات و قوانین مستحکم باشد. جعفر تشکری‌هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران، در جمع خبرنگاران درباره سفر شهردار تهران به چین و قراردادهای مرتبط با واگن‌های مترو اظهار کرد: باید منتظر خبرهای شهردار تهران از چین باشیم، اما این قرارداد اشکالات حقوقی دارد و مورد ایراد ما و برخی دستگاه‌های نظارتی قرار گرفته است. امیدوارم این اشکالات به موازات سفر رفع شود و قرارداد چین از لحاظ مقررات و قوانین مستحکم باشد. او افزود: در هر صورت منتظر هستیم ببینیم آقای شهردار چه سوغاتی از چین برای مردم تهران خواهند آورد. تشکری‌هاشمی درباره واگن‌ها توضیح داد: این موضوع ربطی به قرارداد چین و آنچه ما دنبال می‌کنیم ندارد و از طریق دولت و وزارت کشور پیگیری می‌شود. شهرداری تهران نیز سهمی دارد و قرار است ۶۳۰ واگن به شهرداری تحویل داده شود. رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران ادامه داد: آنچه من شنیده‌ام این است که تتمه پیش‌پرداخت حل شده، اما اینکه آیا به دست طرف چینی رسیده یا نه اطلاع دقیقی ندارم؛ البته می‌دانم در دولت حل شده است. همچنین آن‌طورکه قول داده شده، دو رام قطار که بیشتر جنبه نمایشی دارد، احتمالا تا پایان سال به تهران خواهد رسید. او تاکید کرد: مردم باید بدانند ۴۸ ماه طول خواهد کشید تا واگن‌های این قرارداد از زمان نهایی‌شدن و تکمیل پیش‌پرداخت‌ها به طور کامل به تهران برسد. بنابراین حتی اگر مشکلات حل شود، نیازمند صبر ایوب هستیم تا واگن‌ها به دست مردم برسد.

ناصر امانی و مهدی اقراریان، اعضای شورای شهر، شاخص‌های «حکمرانی نمایشی» و «حکمرانی گزارشی» را تشریح کردند

تهران زیر غبار وعده‌ها

نورا حسینی: تهران امروز با مشکلات جدی در حمل‌ونقل، نظافت و زیرساخت‌های شهری مواجه است. اعضای منتقد شورای ششم، مهدی اقراریان و ناصر امانی، با ارائه آمار و تجربه‌های عملی، تأکید می‌کنند که عملکرد شهرداری بیشتر نمایشی بوده و بسیاری از وعده‌ها عملی نشده. آنها بر ضرورت نظارت مؤثر شورا و مدیریت پروژه‌های زیربنایی برای پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی شهروندان تأکید دارند.

در برنامه رادیویی «دور یک میز» این دو عضو شورای شهر از ضرورت تغییر پارادایم، بازتعریف اولویت‌ها و ایجاد وفاق ملی برای نجات تهران سخن گفتند.

مهدی اقراریان، عضو شورای شهر تهران، با اشاره به مفهوم «حکمرانی شهری» گفت: وقتی از اداره شهر سخن می‌گوییم، درواقع درباره حکمرانی صحبت می‌کنیم. شهرداری به‌عنوان نهادی عمومی، بخشی از مسئولیت اداره شهر را بر عهده دارد. من به‌عنوان فردی که در تهران متولد شده‌ام و اکنون با رأی مردم بر صندلی شورای شهر تهران نشسته‌ام، این را از منظر تجربه زیسته خودم مطرح می‌کنم: پرسش اساسی این است که چرا با رفت‌وآمد شوراهای مختلف، مسائل تهران همچنان حل نمی‌شود؟ مشکل کجاست؟ او سپس با اشاره به مشاهده کمپین تبلیغاتی جدید شهرداری تهران گفت: در مسیر آمدن به جلسه، تبلیغات گسترده‌ای از شهرداری دیدم که مثلا نوشته بود از این نقطه تا میدان سئول را آسفالت کرده‌ایم، حتی با عددی چند هزار کیلومتری. اما شهروندان می‌پرسند: بسیار خب، فرض کنید تا سئول یا حتی تا مریخ را آسفالت کرده‌اید، پس چرا کیفیت زندگی در تهران بهتر نمی‌شود؟ چرا چالش‌ها و مشکلات این شهر هر روز بیشتر می‌شود؟ این عضو شورا تأکید کرد: این پرسش‌ها به مسئله‌ای عمیق‌تر در حوزه حکمرانی شهری برمی‌گردد. امروز با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که می‌توان آن را حکمرانی نمایشی یا حکمرانی گزارشی نامید؛ رویکردی که درواقع به جای حل مسائل واقعی، بر نمایش دستاوردها و ارائه آمار و گزارش‌های ظاهری تکیه دارد. او افزود: اگر بخواهیم از واژه سنگین حکمرانی فاصله بگیریم و ساده‌تر بگوییم، می‌توانیم از مدیریت نمایشی و مدیریت گزارشی سخن بگوییم. این دو نوع مدیریت شاخص‌هایی دارند که متأسفانه امروز در شهرداری تهران به‌وضوح دیده می‌شود.

به گفته این عضو شورا، مسئله اصلی شهرداری تهران در دوره کنونی، فقدان دانش و تجربه لازم برای اداره شهر است.

اقراریان معتقد است: شهردار به‌عنوان سکاندار مدیریت شهر، فاقد درک دقیق از مسائل پیچیده تهران بوده و همچنان با همان پارادایم‌ها و نگاه‌های گذشته عمل می‌کند؛ پارادایم‌هایی که شهر از آنها عبور کرده، به جای تمرکز بر اصلاح ساختاری، همچنان شاهد رقابت آماری با دوره‌های گذشته‌ایم؛ مثلا اعلام می‌شود چند کیلومتر آسفالت شده یا چند دستگاه اتوبوس جدید وارد شده، اما هیچ‌کدام از این اقدامات، مسائل بنیادین شهر تهران را حل نکرده است. او تأکید کرد: اتفاقا همین نبود شناخت از مسائل واقعی شهر، باعث شده تهران با چالش‌های جدیدتری مواجه شود. در نتیجه این پرسش مطرح می‌شود که چرا با آمد و رفت شوراهای مختلف، مشکلات تهران نه‌تنها کمتر نمی‌شود، بلکه هر روز بیشتر هم می‌شود؟ این عضو شورا ادامه داد: با انتخاب نادرست شهردار برای اداره تهران، نه‌تنها گرهی از مسائل این شهر باز نکردیم، بلکه به انباشت مشکلات نیز دامن زدیم. این نتیجه مستقیم مدیریت نمایشی و گزارشی است که به جای اصلاح واقعی، به ظواهر بسنده کرده است.

این عضو شورای شهر یادآور شد: از ماه‌های نخست فعالیت او تلاش کردند تا این واقعیت را منتقل کنند که تهران شهری پیچیده با مسائل چندوجهی است و نمی‌توان آن را با همان نگاه‌های سنتی اداره کرد. اما متأسفانه به این هشدارها توجهی نشد.

در ادامه این نشست، ناصر امانی، رئیس کمیته تشکیلات و منابع انسانی شورای اسلامی شهر تهران، با اشاره به انباشت تاریخی مشکلات پایتخت گفت: تهران انباشتی از مسائل است که در طول زمان بر هم انباشته شده‌اند. بارها در شورا و جلسات مختلف گفته‌ام که وقتی از تهران صحبت می‌کنیم، باید مشخص کنیم از کدام تهران سخن می‌گوییم؛ چون ما درواقع با سه تهران روبه‌رو هستیم. او در توضیح این تقسیم‌بندی گفت: نخست، تهران به‌عنوان پایتخت سیاسی کشور است که از گذشته تا امروز مرکز تصمیم‌گیری‌های ملی بوده؛ دوم، تهران به‌عنوان کلان‌شهری امروزی که به ابرشهری با جمعیت روزانه بیش از ۱۳ میلیون نفر تبدیل شده؛ و سوم، دشت تهران که از دماوند تا قزوین گسترده است و حدود ۲۰ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده. هریک از این سه تهران، ساختار، قوانین و نیازهای خاص خود را دارند. امانی افزود: مشکل آنجاست که این سه لایه درهم‌تنیده شده‌اند و تصمیمات مدیریت شهری بدون توجه به تفاوت‌های آنها گرفته می‌شود. پایتخت باید قانون خاص خود را داشته باشد؛ همان‌طورکه در بسیاری از کشورهای جهان اداره پایتخت مستقیم بر عهده دولت است و منابع مالی آن نیز از بودجه ملی تأمین می‌شود.

او با انتقاد از تصمیمات کوتاه‌مدت و غیرکارشناسی مدیران شهری گفت: در هر دوره‌ای که گروه‌های سیاسی اداره تهران را به دست می‌گیرند، به جای برنامه‌ریزی بلندمدت، سعی می‌کنند در فرصت کوتاه خود اقداماتی سریع و نمایشی انجام دهند؛ بی‌آنکه گذشته یا آینده تهران را در نظر بگیرند. همین نگاه کوتاه‌مدت باعث شده از ابتدایی‌ترین وظایف، مثل نظافت و پاکیزگی شهر، تا مسائل کلان مانند حمل‌ونقل، شهرسازی، زیباسازی و نوسازی بافت فرسوده، همواره دچار مشکل باشیم. به گفته امانی اگر این سه لایه تهران از هم تفکیک و برای هرکدام برنامه‌ای جداگانه تدوین می‌شد، امروز وضعیت پایتخت این‌چنین بحرانی نبود. امانی با اشاره به بی‌توجهی دولت‌ها به تعهدات قانونی خود در حوزه حمل‌ونقل عمومی گفت: قوانینی که از گذشته وجود داشته، همچنان برقرار است و بخش عمده مسئولیت در حوزه حمل‌ونقل، به‌ویژه در بخش زیرساخت‌ها، برعهده دولت‌هاست. در همه دنیا نیز دولت‌ها مسئول توسعه زیرساخت‌های مترو هستند، اما متأسفانه در ایران، چه در دولت‌های گذشته و چه در دولت فعلی، هیچ توجهی به این موضوع نشده و تمام بار بر دوش مدیریت شهری افتاده است.

در ادامه این نشست اقراریان با بیان اینکه یکی از ایرادهای اصلی مدیریت فعلی این است که بسیاری از اقداماتی که انجام می‌دهد، تاریخ مصرف‌شان گذشته و دیگر با آن رویکردها نمی‌توان مسائل شهر را حل کرد؛ زیرا مهارت لازم برای حل مسئله وجود ندارد، گفت: در حکمرانی عمومی و سیاست، سبک‌هایی مانند «حکمرانی نمایشی» و «حکمرانی گزارشی» تعریف می‌شود. حکمرانی نمایشی به سبکی از حکومت‌داری اشاره دارد که در آن، عملکرد ظاهری و نمایش عمومی موفقیت، بر دستاوردهای واقعی و جوهری اولویت پیدا می‌کند. در این مدل، هدف اصلی کسب و حفظ مشروعیت و حمایت عمومی از طریق مدیریت برداشت‌ها و افکار عمومی است. او تأکید کرد: امروز در شهر تهران دقیقا با چنین وضعیتی مواجهیم؛ یعنی مدیریت شهری از نوع نمایشی و گزارشی است. در این الگو، مدیریت افکار عمومی و رسانه موضوعیت پیدا می‌کند، اطلاع‌رسانی گزینشی رواج دارد، و اقدامات نمادین و تشریفاتی در اولویت قرار می‌گیرد. در نتیجه، خروجی چنین مدیریتی تبدیل به بیانیه‌ها و شعارهای روزمره می‌شود. اقراریان با اشاره به شعارهای شهردار فعلی تهران گفت: روزی که آقای دکتر زاکانی اعلام کرد تهران باید کلان‌شهر الگوی جهان اسلام باشد، شاهد همین نوع حکمرانی نمایشی بودیم. او در ابتدای کار هیچ تجربه اجرائی در حوزه شهر تهران نداشت و ما با مدیری بی‌تجربه مواجه بودیم که حالا باید اداره مجموعه‌ای را بر عهده می‌گرفت که حجم بودجه و گستره فعالیت آن حتی از بسیاری وزارتخانه‌ها بیشتر است. او ادامه داد: به‌همین‌دلیل شعارهایی مطرح شد که در میانه راه خودِ شهردار هم متوجه ناپختگی آنها شد. یکی از شاخصه‌های ناآشنایی این مدیر با مسائل شهر، جابه‌جایی‌های مکرر مدیران و معاونان شهرداری است؛ تغییراتی که نشانه آزمون و خطای مدیری است که نمی‌داند یا نمی‌خواهد مسیر درست را برای حل مسائل تهران دنبال کند. اقراریان گفت: همین موضوع یک پرسش اساسی را ایجاد می‌کند؛ اینکه چه کسانی به چنین مدیری رأی دادند و چرا در اصلاح این روند تعلل کردند. به گفته او، بازنگری در مبانی انتخاب مدیر شهری، برای آینده تهران ضروری است.

ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران هم در این نشست با انتقاد از تداوم نگاه کوتاه‌مدت در مدیریت شهری پایتخت گفت: تا زمانی که میان مسائل ملی و محلی در تهران تفکیک قائل نشویم و برای اداره پایتخت، قانونی ویژه تدوین نکنیم، بحران‌های تهران حل نخواهد شد. او همچنین از وضعیت نامطلوب نظافت شهری و فضای سبز و تغییرات مکرر مدیریتی در شهرداری انتقاد کرد.

امانی با اشاره به انباشتگی مسائل تهران گفت: با حجم بالای مشکلاتی که از گذشته در تهران باقی مانده، چاره‌ای جز تفکیک مسائل ملی از مسائل محلی نداریم. در غیر این صورت، هر دوره مدیریت شهری ناچار می‌شود برای ارائه کارنامه‌ای سریع، به سراغ راهکارهای موقت و کوتاه‌مدت برود. این روش شاید در ظاهر نتیجه‌ساز باشد، اما در واقع راه‌حلی سطحی و غیرپایدار است. او ادامه داد: متأسفانه همه دولت‌ها و مدیریت‌های شهری، به‌جای اصلاح ساختار و حرکت به سمت برنامه‌های زیربنایی، بیشتر به دنبال دستاوردهای زودبازده بوده‌اند. در حالی که تهران نیازمند برنامه‌های بلندمدتی است که معمولا دیر نتیجه می‌دهد، اما ماندگار و مؤثر است. این عضو شورای شهر گفت: باید برای تهران به‌عنوان پایتخت کشور، قانونی اختصاصی و مستقل نوشته شود؛ قانونی متفاوت از سایر کلان‌شهرها که نقش و جایگاه خاص پایتخت را در سطح ملی تعریف کند. امانی اضافه کرد: از یک جهت خوشحال‌کننده و از جهتی نگران‌کننده است که رئیس‌جمهور در یک سال گذشته بارها حتی در جلسات استانی از وضعیت تهران گلایه کرده و گفته است که «تهران دیگر نباید بیش از این توسعه پیدا کند». ایشان حتی موضوع انتقال پایتخت را هم مطرح کرده‌اند؛ هرچند این مباحث نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و منابع گسترده است.

امانی در ادامه با اشاره به وضعیت نظافت شهر گفت: در ابتدای این دوره شعار شهرداری، «الگوی جهان اسلام» بود. چطور ممکن است شهری که قرار است الگوی جهان اسلام باشد، در ابتدایی‌ترین وظیفه خود یعنی پاکیزگی، چنین وضعیتی داشته باشد؟ چرا در این دوره دست‌کم پنج بار مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند تغییر کرده است؟ چرا افرادی منصوب شده‌اند که هیچ تجربه یا تخصصی در این حوزه ندارند؟ و چرا روش نظافت شهر سه بار عوض شده و هر بار هم ناموفق بوده است؟

او افزود: هنوز هم شهرداری تهران بر استفاده از مخازن زباله سنتی اصرار دارد، در حالی که بارها در جلسات علنی و غیرعلنی شورا تذکر داده‌ایم که این روش منسوخ و ناکارآمد است. من شخصا در جلسات با آقای زاکانی و معاونانش این مسئله را مطرح کرده‌ام، اما پاسخ‌هایی که داده می‌شود، با استانداردهای حرفه‌ای مدیریت شهری فاصله دارد. عضو شورای شهر همچنین درباره فضای سبز گفت: در حوزه حفظ و گسترش فضای سبز نیز با همان مشکل مواجه‌ایم. دو وظیفه مهم شهرداری یعنی نظافت شهر و حفاظت از فضای سبز، هر دو در این دوره دچار ضعف جدی شده‌اند. بارها در صحن شورا تذکر داده‌ام که قطع درختان، آن‌هم به بهانه اجرای طرح‌های عمرانی توسط خود شهرداری، غیرقابل قبول است. آخرین نمونه آن در منطقه ۱۴ رخ داد که با فیلم مستند هم در شورا نشان دادم. این موارد یعنی مدیریت بدون تجربه و فاقد مهارت حل مسئله. تا زمانی که این رویکرد در شهرداری ادامه دارد، نه از نظافت شهری خبری خواهد بود، نه از توسعه پایدار تهران.

مهدی اقراریان درخصوص این پرسش که آیا در کنار مدیریت نمایشی، با نظارت نمایشی هم روبه‌رو نیستیم که این مشکلات برطرف نمی‌شود، گفت: دو نگاه در شورای شهر تهران شکل گرفت؛ در ابتدا این تقسیم‌بندی آشکار نبود، اما به‌مرور و در نتیجه بررسی عملکرد مدیریت شهری، منتقدان به این جمع‌بندی رسیدند که رویکرد آقای زاکانی منتج به حل مسائل تهران نخواهد شد. او افزود: بر همین اساس، موضوع تغییر شهردار در مقطعی در دستور کار جمعی از اعضای شورا قرار گرفت و برخی از اعضا نیز شفاف در مصاحبه‌های خود از ضرورت استیضاح سخن گفتند. با این حال، چارچوب قانونی شورا تصریح دارد که برای استیضاح شهردار نیاز به رأی دوسوم اعضا، یعنی ۱۴ نفر است.

اقراریان با اشاره به تجربه شورای پنجم اظهار کرد: برخلاف برخی نگاه‌ها که تغییر شهردار در شورای پنجم را نقطه ضعف می‌دانند، من آن را نشانه شجاعت شورا می‌دانم. آن شورا با صراحت تصمیم گرفت و شهردار را تغییر داد. اما در شورای ششم دغدغه‌ای جدی وجود داشت و آن، تجربه تلخ شورای اول بود که انحلالش باعث نگرانی در تصمیم‌گیری‌های مشابه شد.

او ادامه داد: همواره ریاست شورا این هشدار را می‌دادند که نباید تجربه شورای اول تکرار شود. در دولت گذشته و حتی در دولت فعلی نیز جمع‌بندی ما این بود که انحلال شورا نه‌تنها مسئله‌ای از تهران حل نمی‌کند، بلکه دست شهردار را بازتر خواهد کرد. به‌ویژه آنکه آقای زاکانی شخصیتی با سابقه سیاسی گسترده است و اگر شورا مانع مسیرش نباشد، می‌تواند بدون نظارت مؤثر به مسیر خود ادامه دهد.

اقراریان در ادامه گفت: ما با دوگانه‌ای مواجه بودیم؛ نظارت حداقلی یا نظارت حداکثری. باید بگویم که در نظارت حداکثری موفق نبودیم، اما منتقدان تلاش کردند حداقل نظارت مؤثری برقرار کنند. این نظارت حداقلی بر اساس اقتضائات و واقعیت‌های شورا و میزان آرای منتقدان بود. در بسیاری از موارد نیز تلاش کردیم جلوی مصوباتی را که به زیان شهر می‌دانستیم، بگیریم؛ هرچند در برخی موارد موفق نشدیم. او با اشاره به قانون تناسبی‌شدن انتخابات شوراها گفت: امیدوارم با اجرای این قانون، پایان تک‌صدایی در «بهشت» را شاهد باشیم. هرچند تصورم این است که شورای آینده، شورایی پرچالش خواهد بود، اما به عنوان یک معلم دانشگاه معتقدم این چالش‌ها به نفع اصلاح حکمرانی شهری است. ما به جسارت و جرئت در تصمیم‌گیری نیاز داریم، چراکه حکمرانی کارآمد بدون این ویژگی‌ها ممکن نیست. ناصر امانی نیز در ادامه گفت: اگر این دوره را با دوره‌های گذشته مقایسه کنید، شهردار تهران بیشترین تعداد تذکر و سؤال را در طول حداقل ۳۰ سال اخیر دریافت کرده است. این تذکرات هم به‌صورت کتبی و هم در صحن شورا مطرح شده و به شهردار ابلاغ شده است. تعداد سؤالات و تذکرات، چه در دوره پنجم و چه در دوره‌های قبلی، به این میزان نبوده است. او افزود: این نشان می‌دهد که منتقدان در شورای ششم تلاش کردند شهرداری تهران مطابق قانون و وظایف خود حرکت کند. حتی اگر شهرداری ترک فعل یا انحراف داشته باشد، این نظارت از طریق تذکر و سؤال اعمال شده است. با این حال، ابزار قانونی کافی وجود ندارد و به اصلاح نیاز دارد. اصلاحیه مجلس در قانون شوراها مراحل سؤال و استیضاح را پیچیده‌تر کرده و تعداد آرای لازم برای اعمال نظارت را افزایش داده، اما هنوز کار سخت است و ابزار قانونی به اندازه کافی در دسترس نیست.

امانی با اشاره به وضعیت قانونی نظارت شورای شهر گفت: طبق قانون، اگر من از عملکرد شهردار قانع نشوم، می‌توانم تقاضای استیضاح بدهم، اما در آن زمان امکان اجرای این اقدام فراهم نبود. در سال ۱۴۰۲، در حوزه انتصابات سؤالاتی مطرح کردم که بسیاری از مدیران عامل سازمان‌ها برخلاف قوانین استخدامی و اساسنامه مصوب شورا منصوب شده بودند. پاسخ شهردار قانونی نبود، اما فرصت پیگیری بیشتر و استیضاح فراهم نبود، هرچند ۱۰ نفر از اعضا با من همراهی کردند. مهدی اقراریان با اشاره به وضعیت شورای ششم گفت: اگر منتقدان شهردار در شورا نبودند و نگرانی‌ها درباره شورای آینده جدی گرفته نمی‌شد، ممکن بود شورا به یک صدای واحد و تک‌سویه تبدیل شود. ما امروز باید برای آینده شهر فکر کنیم و کسانی که در انتخابات آینده شرکت می‌کنند، بدانند که برای نجات تهران نیاز به معجزه نیست بلکه نیاز به تغییر پارادایم و تغییر رویکرد داریم.

او تهران را به «لیوان پر از آب» تشبیه کرد و افزود: همان‌طورکه وقتی آب زیادی وارد لیوان می‌کنید سرریز می‌شود، مدیریت تهران هم با بار سنگین مشکلات مواجه است. افزایش بار و فشار به شهر باعث شده وضعیت تهران مانند یک بیمار مزمن شود. ما برای حل مسائل شهری به وفاق ملی نیاز داریم و این فرصت در شورای ششم با یکدست‌شدن دولت، مجلس و شورا فراهم شد. اما برای بهره‌گیری از این فرصت، باید رویکرد و پارادایم مدیریت تغییر می‌کرد.

ناصر امانی نیز بر ضرورت راهکارهای بلندمدت و عزم ملی تأکید کرد و گفت: برخی مشکلات تهران فراتر از توان مدیریت شهری با هر تخصص و ظرفیت است. اگر بخواهیم منابع پایدار شهرداری را اصلاح کنیم و از درآمدهای غیرپایدار مانند تراکم ساختمانی و کمیسیون ماده پنج فاصله بگیریم، باید دولت و مجلس نیز سهم خود را ایفا کنند. ۶۰ درصد منابع شهرداری از این منابع حاصل می‌شود و بدون حمایت ملی، حل مسائل اصلی ممکن نیست.

مهدی اقراریان: همان‌طورکه وقتی آب زیادی وارد لیوان می‌کنید سرریز می‌شود، مدیریت تهران هم با بار سنگین مشکلات مواجه است. افزایش بار و فشار به شهر باعث شده وضعیت تهران مانند یک بیمار مزمن شود. ما برای حل مسائل شهری نیاز داریم به وفاق ملی و این فرصت در شورای ششم با یکدست‌شدن دولت، مجلس و شورا فراهم شد. اما برای بهره‌گیری از این فرصت، باید رویکرد و پارادایم مدیریت تغییر می‌کرد

ناصر امانی: در ابتدای این دوره شعار شهرداری «الگوی جهان اسلام» بود. چطور ممکن است شهری که قرار است الگوی جهان اسلام باشد، در ابتدایی‌ترین وظیفه خود یعنی پاکیزگی، چنین وضعیتی داشته باشد؟ چرا در این دوره دست‌کم پنج بار مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند تغییر کرده است؟ چرا افرادی منصوب شده‌اند که هیچ تجربه یا تخصصی در این حوزه ندارند؟ و چرا روش نظافت شهر سه بار عوض شده و هر بار هم ناموفق بوده است؟

یادداشت

چرخه قدرت بی‌پایان در مدیریت شهری تهران: تکرار به‌جای تحول

ملیحه مقصودی
دکترای شهرسازی

تهران، پایتخت پرهیاهوی ایران، در ظاهر شهری است که همیشه در حال تغییر به نظر می‌رسد؛ خیابان‌ها مرتب می‌شوند، پروژه‌های عمرانی آغاز و نماها دستخوش تحول می‌شوند. اما در عمق ساختار مدیریتی این شهر، چیزی ثابت مانده است: چهره‌ها و حلقه‌های قدرت. مدیرانی که دهه‌هاست در صندلی‌های مختلف جابه‌جا می‌شوند، بدون آنکه تغییر واقعی در ساختار یا نتایج کارشان رخ دهد. این واقعیت، شکافی آشکار میان ظاهر متحول شهر و عمق ساختاری آن ایجاد کرده است.

در شهرداری، شورای شهر، سازمان‌های تابعه و حتی نهادهای وابسته، نمونه‌های متعددی از بازتکرار مدیران دیده می‌شود. افراد با عناوین تازه و در لباس‌های جدید بازمی‌گردند، اما قدرت و منطق تصمیم‌گیری آنها غالبا همانند دوره‌های پیشین است. این چرخه مداوم، به گونه‌ای عادی شده که مدیریت شهری را نه به‌عنوان میدان رقابت ایده‌ها و تخصص‌ها، بلکه به‌مثابه یک «باشگاه بسته قدرت» نشان می‌دهد.

یکی از ویژگی‌های این سیستم، جابه‌جایی نرم و غیرشفاف مدیران است. فردی که امروز از سمت معاونت شهرداری کنار می‌رود، فردا در هیئت‌مدیره یکی از سازمان‌های وابسته منصوب می‌شود؛ یا عضوی از شورای شهر، پس از پایان دوره، در شرکت‌های عمرانی یا خدماتی شهرداری جایگاهی جدید می‌یابد. این روند، بدون تغییر واقعی در تفکر مدیریتی و رویکرد اجرائی، مصداق روشن «بازتولید سیستم بدون اصلاح» یا همان پوسیدگی مدیریتی است. ساختار نه برای بهبود، بلکه برای ادامه حیات خود طراحی شده است.

نتیجه چنین چرخه‌ای، فرسایش اعتماد عمومی است. شهروندانی که بارها شاهد بازگشت همان چهره‌ها با عنوان‌های متفاوت بوده‌اند، به‌تدریج باور خود را به امکان تغییر واقعی از دست می‌دهند. سیاست‌گذاری‌ها نیز در این فضا محافظه‌کارانه، کوتاه‌مدت و عمدتا مبتنی بر منافع فردی یا گروهی باقی می‌ماند؛ زیرا تصمیم‌گیران می‌دانند در نهایت، صرف‌نظر از موفقیت یا شکست، دوباره به حلقه قدرت بازخواهند گشت.

تهران امروز نه از کمبود مدیران، بلکه از کمبود جریان تازه مدیریتی رنج می‌برد. حضور نسل‌های جدید، متخصصان مستقل و نیروهای غیروابسته می‌تواند به پویایی و نوآوری در تصمیم‌گیری‌ها کمک کند. اما تا زمانی که درهای قدرت به روی این جریان‌ها بسته باقی بماند، چرخه بی‌پایان بازتولید قدرت ادامه خواهد یافت. شهر در ظاهر دستخوش تغییر است، اما در عمل، همان‌جا ایستاده است و پروژه‌ها و برنامه‌ها اغلب به تکرار گذشته بدل می‌شوند.

تغییر واقعی زمانی آغاز می‌شود که خروج از قدرت به معنای پایان «نقش رسمی» باشد، نه شروع مأموریتی تازه در لباسی دیگر. این تغییر، نیازمند شفافیت در انتصاب‌ها، ارزیابی عملکرد مدیران و ایجاد فضای رقابتی برای ورود نیروهای نو است. تنها با چنین اصلاحاتی، می‌توان امید داشت که سیاست‌گذاری‌ها فراتر از دوره‌های مدیریتی کوتاه‌مدت، اثربخش و پایدار باشند و شهر بتواند تغییرات ملموس را تجربه کند.

در نهایت، مسئله تهران صرفا جابه‌جایی مدیران نیست؛ مسئله تکرار بدون تحول است. شهری که هر روز شاهد پروژه‌های جدید است اما از تداوم ساختارهای کهنه مدیریتی رنج می‌برد، عملا در یک چرخه بی‌پایان قدرت گرفتار شده است. این چرخه نه‌تنها رشد و توسعه شهر را کند می‌کند، بلکه امید عمومی به اصلاحات و مشارکت فعال شهروندان را نیز کاهش می‌دهد. برای تحقق یک مدیریت شهری پویا، باید بازتولید قدرت متوقف شود و به جای آن، فرصت برای نوآوری، تخصص و شجاعت مدیریتی فراهم شود. تنها در چنین شرایطی تهران می‌تواند از تکرار به تحول واقعی دست یابد و وعده شهری زنده، پویا و پاسخ‌گو را به شهروندان خود بدهد.